

تحلیل عاملی مؤلفه‌های الزام اجرایی با رویکرد مسائل اجتماعی قبل از خصوصی سازی ورزش

مجتبی احمدی^۱، علیمحمد امیرتاش^{۲*}، علیمحمد صفانیا^۳

۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استاد گروه مدیریت ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳- دانشیار گروه مدیریت ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر تحلیل عاملی مؤلفه‌های الزام اجرایی با رویکرد مسائل اجتماعی قبل از خصوصی سازی ورزش بود. روش پژوهش آمیخته اکتشافی بود. جامعه آماری اساتید مدیریت ورزشی و متخصصان حوزه خصوصی سازی ورزش (۳۸۰ نفر) و نمونه‌های پژوهش ۱۹۸ نفر بودند. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختار یافته و پرسشنامه محقق ساخته بود. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط ۱۲ نفر از اساتید تایید شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ $\alpha = 0.79$ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و ...) و استنباطی (تحلیل عاملی تاییدی و اکتشافی) استفاده شد. کلیه تجزیه و تحلیل‌ها با استفاده از نرم افزارهای آماری لیزرل ۸/۸ و Spss ۲۰ انجام شد. کل واریانس تبیین شده نشان داد گویه‌های پژوهش ۶ عامل و این عامل‌ها در حدود ۶۷.۹۴۵ درصد واریانس را تبیین می‌نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شش مؤلفه الزام اجرایی قبل از خصوصی سازی ورزش شناسایی شد که براساس بار عاملی به ترتیب

شامل به روز کردن طرح جامع ورزش (۹۲/۰)، توانمند سازی بخش خصوصی (۸۸/۰)، نیروی انسانی توانمند (۸۷/۰)، نظارت و کنترل (۸۵/۰)، تشکیلات و ساختار (۸۱/۰) و خدمات (۷۹/۰) بود. با توجه به نتایج به دست آمده می توان نتیجه گرفت که مسئولان ورزش کشور قبل از واگذاری ورزش به بخش خصوصی باید به مولفه های الزام اجرایی متناسب با شرایط اجتماعی روز جامعه توجه داشته باشند تا فرایند خصوصی سازی بتواند با شرایط مطلوبی انجام شود.

واژه های کلیدی: اولویت بندی، خصوصی سازی ورزش، الزامات اجرایی، مسائل اجتماعی

مقدمه و بیان مسأله

خصوصی سازی به مجموعه ای از اقداماتی گفته می شود که در قالب آن، در سطوح و زمینه های گوناگون، کنترل، مالکیت و مدیریت از دست بخش دولتی خارج و به دست بخش خصوصی سپرده می شود و تصمیم گیری از عوامل دولتی به بخش خصوصی منتقل شده و به عنوان راهکاری جهت افزایش کارایی اقتصادی و کاهش هزینه های دولتی قلمداد می شود که در آن دولت باهدف افزایش کار آیی به واگذاری بخشی از فعالیت ها یا بنگاه های تحت مالکیت خود، به بخش خصوصی اقدام می کند (بلتریتی^۱ و همکاران، ۲۰۱۶: ۵).

تجربه همه کشورها چه توسعه یافته، چه در حال توسعه یا حداقل توسعه یافته^۲ نشان می دهد که بزرگ شدن و تنوع فعالیت های دولت هم موجب ناکارآمدی دولت در وظایف اصلی و هم باعث لطمه و آسیب به بخش خصوصی می شود. به همین جهت تقریباً در همه کشورهای دنیا دولت کوچک و محدود در دستور کار قرار گرفته است (موحدی، ۱۳۷۴: ۳۹). واقعیت این است که دولت و دستگاه های دولتی در دنیای امروز ناگزیرند به کوچک شدن روی آورند و ناچارند به توزیع قدرت تن در دهند، به خواسته های ارباب رجوع و مردم بیشتر توجه کنند و سخن کوتاه آنکه امروزه مدیریت دولتی تحولاتی را پذیرا شده است که چهره اش را با گذشته به کلی متفاوت ساخته است (هیوز، ۱۳۸۰).

1 Beltratti

2 Least developed

بررسی ادبیات خصوصی سازی در امر ورزش نشان می‌دهد که به تقریب تمام کشورهای دنیا برای نقش و جایگاه خصوصی سازی در بخش ورزش، اهمیت ویژه‌ای قایل هستند. به طور کلی دولت‌ها اقدام‌هایی را نیز در این راستا انجام داده‌اند که نتایج آن نیز مثبت بوده است اما باید توجه داشت که خصوصی سازی در ورزش به خودی خود مفید و سودآور نیست و بدون وجود یک سری شرایط نمی‌توان پیش‌بینی کرد که تنها اجرای فرآیند خصوصی سازی در ورزش باعث ایجاد منافع می‌شود. ثبات اقتصادی، آزادسازی اقتصادی، وجود شرایط رقابت کامل در اقتصاد، ایجاد چارچوب‌های حقوقی و قانونی مناسب، اصلاح ساختار در برخی سازمان‌ها و وجود بازارهای مالی گسترده و مؤثر، همگی از شرایط جدایی‌ناپذیر موفقیت برنامه‌های خصوصی سازی در حیطه ورزش قلمداد می‌شود (رضوی، ۱۳۸۵: ۷۹).

امروزه با توجه اینکه ورزش کشور با مشکلات مالی مواجه است و اعتبارات و بودجه‌های تخصیصی به فدراسیون‌ها و هیات‌های ورزشی استان‌ها نیز با محدودیت‌های فراوانی روبه روست، لذا ایجاد سیستم درآمدزایی مطلوب می‌تواند کمک قابل توجهی به رشد و توسعه ورزش نماید و از طرفی وابستگی به بودجه‌ها و اعتبارات تخصیصی از سوی نهادهای ورزشی بالادستی را کاهش دهد. بر این اساس، با توجه به محدودیت‌های مالی و بودجه‌ای دولت، یکی از مهمترین راهکارهای توسعه ورزش، توانمند سازی نیروی انسانی برای تقویت بخش خصوصی در ورزش است (نودهی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۵). بدون تردید ورود کارآفرینان و سرمایه‌گذاران به عنوان یکی از مهمترین عوامل بخش خصوصی به این عرصه بدون داشتن آگاهی و دانش کافی در این زمینه میسر نبوده و همچنین تلاش برای جذب مشارکت بخش خصوصی موفقیت‌چندانی را در پی نخواهد داشت. لذا یکی از لازمه‌های فرایند خصوصی سازی ورزش این است که بتوانیم توانمند سازی را در کارآفرینان و نیروهای انسانی ایجاد نماییم (صفتی راد، ۱۳۹۵: ۶۳۹).

مسئله‌ای که نظر محقق را جلب نمود تا به بررسی مؤلفه‌های الزام اجرایی با رویکرد مسائل اجتماعی قبل از خصوصی سازی ورزش بپردازد این بود که سابقه اقدامات مختلف واگذاری ورزش به بخش خصوصی نشان داده است که عموماً خصوصی سازی در ورزش بدلیل عدم رعایت پیش نیازهای لازم آن با موفقیت مواجه نشده است و بخش خصوصی

نتوانسته است در رشد و توسعه ورزش در ابعاد مختلف آن موفقیت چشمگیری را به دست آورد و باری بزرگ را از دوش دولت بردارد. لذا مطالعه و پژوهش درخصوص الزامات و پیش نیازهای لازم برای موفقیت آمیز بودن خصوصی سازی ورزش مساله ای است که باید مورد بررسی قرار بگیرد. بدون تردید یکی از ابعاد ورزش و تربیت بدنی جنبه اجتماعی بودن آن است که تاثیرات مختلفی در سطح جامعه دارا است. در این رابطه، الزامات اجرایی به نحوی که به مسائل اجتماعی توجه ویژه داشته باشد و جنبه اجتماعی ورزش را مغفول نگذارد از اهمیت ویژه ای در مطالعات و پژوهش های علمی مرتبط با حوزه خصوصی سازی ورزش برخوردار هستند. لذا، پژوهش حاضر قصد دارد تا شرایط و بسترهای لازم جهت حضور هر چه گسترده تر بخش های غیردولتی در حوزه ورزش را مشخص نماید و در نهایت امید می رود تا با استفاده از نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر راهکارهای لازم استخراج شود تا در اختیار مسئولان ذی ربط قرار گرفته و با توجه به الزامات و ملاحظات موجود، به عنوان نقشه راهنمای خصوصی سازی ورزش کشور برای مشخص کردن کیفیت مشارکت دادن بخش خصوصی، به کار رود که این امر نیازمند مطالعه عمیق و گسترده در حوزه پژوهش حاضر است. با توجه به اینکه تاکنون در خصوص بررسی و شناسایی مولفه های الزام اجرایی قبل از خصوصی سازی ورزش با رویکرد مسائل اجتماعی در سطح کشور پژوهش های اندکی انجام شده است، انجام چنین پژوهشی در حوزه مدیریت ورزش کشور ضروری به نظر می رسد. نتایج حاصل از این پژوهش می تواند راهگشای مسئولان وزارت ورزش و نهادهای مربوطه در امر خصوصی سازی در سطح ورزش کشور باشد و علاوه بر کاهش فشار بر دولت، به توسعه ورزش قهرمانی و همگانی نیز کمک شایانی نماید. بنابراین اهداف پژوهش حاضر عبارتند از:

اهداف پژوهش

۱- مولفه های الزام اجرایی قبل از واگذاری ورزش به بخش خصوصی کدامند؟

۲- اولویت‌بندی مولفه‌های الزام اجرایی قبل از واگذاری ورزش به بخش خصوصی چگونه است؟

مرور پژوهش‌های پیشین

پژوهش‌های مختلفی به بررسی الزامات و پیش‌نیازهای قبل از خصوصی‌سازی در ورزش و نیز مشکلات موجود در این راه پرداخته‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

گروسکیف^۱ (۲۰۰۴) بر اهمیت توجه به الزامات قبل از انجام فرایند خصوصی سازی تاکید نمود و عنوان کرد که اگر خصوصی‌سازی پس از مطالعات جامع و بر اساس برنامه‌ریزی دقیق انجام نشده، بسترهای لازم برای اجرای آن فراهم نشود و بر فرآیند آن در حین و پس از آن نظارت نگردد، اجرای آن افزایش بی‌عدالتی و بروز نارضایتی عمومی را در پی خواهد داشت.

علیدوست قهفرخی و همکاران (۱۳۹۲) بیان کردند که اگرچه خصوصی‌سازی سیاستی است که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته با تدارک مقدمات لازم با موفقیت همراه بوده است، باید این نکته را در نظر داشت که چنانچه شروط و پیش‌نیازهای لازم برای آن فراهم نباشد، تصمیم برای خصوصی‌سازی آثار مطلوبی برای اقتصاد کشور بر جای نمی‌گذارد؛ به‌عنوان نمونه، در آفریقا برنامه‌های خصوصی‌سازی به دلیل نداشتن زیربنای مالی لازم و ناتوانی بخش خصوصی، با دشواری‌های زیادی روبه‌رو شد. در کشورهایی چون کنیا، جامائیکا و پرو نیز نبود حمایت لازم از سوی دولت و تکیه این کشورها به حمایت‌های خارجی از جمله دلایل و موانع ناکامی خصوصی‌سازی بوده است.

کابلی زاده (۱۳۸۴) نشان داد که موفقیت خصوصی‌سازی مستلزم ایجاد محیطی مناسب است تا بخش خصوصی توانایی انجام کار در آن موقعیت را داشته باشد. ایجاد چنین محیطی مستلزم اصلاحات کلان اقتصادی، بهبود چهارچوب حقوقی و قانونی، تقویت سیستم مالی، از بین بردن موانع رقابت و مقررات زدایی از بازار کالا و خدمات است. خصوصی‌سازی ابزار برای توسعه است و یک فرصت استثنایی برای ساختار سیاسی کشور فراهم می‌کند تا مردم

نسبت به تصمیمات رهبران سیاسی خود حساسیت نشان دهند و در صحنه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... مشارکت فعال داشته باشند (کابلی زاده، ۱۳۸۴: ۳۷).

محمدی مغانی (۱۳۹۴) در نتیجه پژوهش خود گزارش کرد که اجرای سیاست خصوصی‌سازی در ورزش نیازمند بستر خاص و وجود شرایط خاص است به بیان دیگر برای انجام موفق سیاست خصوصی‌سازی در ورزش الزامات خاصی نیاز است که امروزه به سبب افزایش تلاطم‌های محیطی، مشخص کردن الزامات و ملاحظات اجرایی برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای بیش از پیش ضرورت یافته و موفقیت و عدم موفقیت آن‌ها در گرو رعایت کردن این الزامات و ملاحظات است. برخی از صاحب‌نظران معتقدند در هر سه مرحله قبل، حین و بعد از خصوصی‌سازی الزامات خاصی وجود دارد. بنابراین جلب مشارکت بخش خصوصی و تعاونی‌ها نیازمند تحقق یافتن الزاماتی قبل از واگذاری است که زمینه‌ساز ایجاد اطمینان و امنیت سرمایه‌گذاری و فراهم آوردن بسترهای مناسب تحقق اهداف توسعه‌ای و برنامه‌ای کشور است که این الزامات نیز هنوز تحقق نیافته است.

ناصح (۲۰۱۳) گزارش نمود که نبود وحدت رویه و هماهنگی در سازمان‌های متولی خصوصی‌سازی ورزش و ناکافی بودن تسهیلات دولتی برای تشویق بخش خصوصی دارای بیشترین میزان اهمیت بودند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که مشکلات مالی، آموزشی-ساختاری، مدیریتی و علاوه بر آن نقض حقوق مشتریان به‌طور قابل‌توجهی اجرای خصوصی‌سازی را تحت تأثیر قرار داده است.

صبحانی و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان تعیین و اولویت بندی عوامل موثر در جذب سرمایه در ورزش توسط بخش خصوصی انجام دادند و در نتیجه پژوهش خود گزارش کردند که عوامل اجرایی و مدیریتی از جمله موثرترین منابع جذب سرمایه توسط بخش خصوصی هستند.

نودهی (۱۳۹۶) گزارش نمود که برای توسعه خصوصی‌سازی ورزش باید مولفه‌های اجرایی آن مورد توجه قرار بگیرند.

محمدی مغانی (۱۳۹۴) عنوان کردند که عوامل اجرایی از جمله مؤثرترین عوامل جذب سرمایه توسط بخش خصوصی هستند.

پاداش (۱۳۸۸) پژوهشی با عنوان « مهمترین عوامل تأثیرگذار بر خصوصی سازی باشگاه‌های ورزشی کشور» انجام داد و به نتایج زیر دست یافت: عوامل اقتصادی اولویت اول و عوامل مدیریتی و اجرایی، عوامل حقوقی و قانونی و عوامل اجتماعی به ترتیب اولویت دوم تا چهارم را به خود اختصاص دادند.

الهی (۱۳۸۸) گزارش نمودند که مهمترین موانع موجود برای جذب درآمد از حامیان مالی در صنعت فوتبال ایران، ریشه در ساختار اقتصادی کشور، برخی مشکلات اجرایی، فرهنگی، حقوقی و قانونی، مالکیت دولتی باشگاه‌ها، ساختار و نیروی انسانی، مدیریت بازاریابی و ... دارد. در پایان نیز پیشنهاد نمودند که برای گام برداشتن در راستای توسعه منابع درآمدی حاصل از حامیان مالی در صنعت فوتبال کشور، ابتدا باید به موانعی که در برابر آن وجود دارد توجه نمود.

چانگک (۲۰۰۸) و خوشیا (۲۰۰۷) در نتیجه پژوهش خود گزارش کردند که عوامل اجرایی و مدیریتی از جمله موثرترین منابع جذب سرمایه توسط بخش خصوصی هستند. (محمدی مغانی، ۱۳۹۴: ۷۳).

مبانی نظری پژوهش

تعریف خصوصی سازی

خصوصی سازی، فرایندی است که بر اساس آن استراتژی‌های بخش خصوصی تعیین گردیده و توسعه می‌یابند. این استراتژی‌ها با حذف موانع اداری و حقوقی در انجام فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی صورت می‌گیرد. به بیان دیگر خصوصی سازی، فرایند محدود نمودن اختیارات اجرایی دولت و کاهش دخالت مستقیم دولت در اقتصاد می‌باشد (افسای، ۱۳۹۱: ۵۸).

تعریف خصوصی سازی ورزش

خصوصی سازی ورزش عبارت است از ایجاد شرایط لازم در جهت تعمیم و گسترش تربیت بدنی و ورزش در کشور با استفاده از سرمایه گذاری‌های بخش خصوصی (محمدی مغانی، ۱۳۹۴: ۵۳). خصوصی سازی ورزش، علاوه بر کاهش فشار بر بودجه دولت، با ایجاد یک بازار رقابتی به کار آیی بیشتر در استفاده از منابع و توجه بیشتر به سلاقی و انتخاب‌های افراد جامعه منجر و با افزایش حساسیت عمومی نسبت به ورزش و طلب پاسخگویی بیشتر از ارائه‌دهندگان خدمات قادر به ارتقا کیفیت این حوزه است. البته خصوصی سازی در صورتی می‌تواند کار آیی و کیفیت موردنظر را محقق سازد که دارای مدیریت و نظارت کافی و مناسب بوده و از کاهش کیفیت و بروز نابرابری‌ها و بحران‌های مختلف جلوگیری کند (قره خانی، ۱۳۸۹: ۶۲).

اهداف خصوصی سازی

برخی از اهداف مترتب بر اجرای برنامه خصوصی سازی شامل مواردی از قبیل: ارتقاء کارایی و بهره‌وری عوامل تولید در سطوح خرد و کلان اقتصادی، گسترش زمینه رقابت در فعالیت‌های اقتصادی، نزدیک شدن به مرز تخصیص بهینه منابع، جذب منابع قابل سرمایه گذاری خصوصی در تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی، تقویت بنیان مالکیت و مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی، کاستن از بار مالی دولت و منطقی کردن اندازه فعالیت‌های دولت در اقتصاد ملی است. دلایل ذکر شده بیانگر این هستند که امروزه خصوصی سازی به‌طور جدی در بسیاری از کشورها به‌عنوان جایگزین گسترش مسئولیت‌های دولت در تولید و توزیع کالاها و خدمات مدنظر می‌باشد (اعزازی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰).

رویکرد خصوصی سازی

راهبرد یا فنون مأخوذه یکی از عناصر کلیدی دستیابی به موفقیت در خصوصی سازی است. اصولاً سه رویکرد نسبت به فرآیند خصوصی سازی وجود دارد.

الف) رویکرد اول، مقررات زدایی یا به عبارتی حذف کنترل دولت بر عرضه خصوصی کالاها و خدمات است.

ب) رویکرد دوم به خصوصی سازی، عقد قرارداد با بخش خصوصی است.

ج) سومین رویکرد، منطقی سازی^۱ اندازه دولت است، به نحوی که با استفاده صحیح و کارآمد از منابع سیستم اقتصاد بازاری، آن گونه که اقتصاددانان ارتدکس شرح داده‌اند، حداکثر بهره‌مندی حاصل گردد.

از منظر بهینه‌سازی، خصوصی سازی می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد و معمولاً اهداف برنامه این اشکال را تعیین می‌کنند. همان گونه که انتظار می‌رود روش‌های مختلف خصوصی سازی در فعالیت‌های اقتصادی دنیای سرمایه‌داری ریشه‌دارند و در کشورهای در حال توسعه به عنوان مدلی از کشورهای توسعه یافته منعکس شده‌اند. یکی از پیش فرض‌های نظری، وجود زیرساخت‌های نهادی ضروری است. واگذاری مالکیت، سرمایه‌گذاری مشترک^۲ با بخش خصوصی، اجاره^۳ یا قرارداد مدیریتی^۴ روش‌های مالی نهادینه شده خصوصی سازی هستند که در ادامه به بررسی این شیوه‌ها پرداخته می‌شود (صفتی راد، ۱۳۹۵: ۶۶).

مشکلات و موانع خصوصی سازی در ایران:

موانع و مشکلات خصوصی سازی ایران را با توجه به شرایط خاص اقتصادی-اجتماعی کشور می‌توان به سه دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از:

الف - مشکلات اقتصادی و سرمایه‌ای

۱- تحولات اقتصادی، نوسانات ارزی و

۲- فقدان بازار سرمایه مشترک و ضعف اجرایی آن در حد امکانات محدود موجود.

۳- وابستگی فرآیندهای تولید و ارز و مواد اولیه خارجی که از جمله عوامل اساسی در عدم استفاده بهینه از توان بالقوه این فعالیت‌ها محسوب می‌گردد.

1 Rationalization

2 Joint Venture

3 Lease

4 Management Contract

۴- دخالت انحصارگرایانه دولت در کسب درآمد تخصیص و توزیع آن در سطح کلان اقتصاد که موجبات وابستگی بخش‌های مختلف اقتصاد کشور را بخصوص از ناحیه کسب درآمدهای ارزی از سوی دولت فراهم آورده است.

ب- موانع و مشکلات حقوقی - قانونی

۱- عدم تدوین چارچوب قانونی منسجم با پشتوانه اجرایی لازم
۲- همسو نبودن مقررات و سیاست‌های اجرایی ارگان‌های قانونی کشور با سیاست خصوصی سازی.

۳- قدیمی و نارسا بودن قانون بورس اوراق بهادار به عنوان مکانیزم اصلی خصوصی سازی در کشور.

۴- فقدان قوانین قابل اعتماد و مستحکم که مانع هرگونه سوءاستفاده احتمالی دوطرفه در جریان امر واگذاری (از سوی عرضه کنندگان و تقاضا کنندگان سهام) گردد.
علاوه بر موارد فوق (عالی پور ۱۳۸۵) موارد زیر را از موانع حقوقی - قانونی کامل خصوصی سازی در ایران می‌داند.

- ۱- نبود اهداف مشخص اتخاذ سیاست خصوصی سازی
- ۲- فقدان توجه به همه روش‌های واگذاری به ویژه روش‌های انتقال بدون مالکیت
- ۳- الزام خصوصی سازی در قوانین به چشم نمی‌خورد و فقط در حد توصیه است.

ج- موانع و مشکلات مدیریتی - اجرایی

۱- فقدان یک نهاد مستقل و متمرکز با مدیریت متخصص و کارآمد در ارتباط با اجرای سیاست خصوصی سازی

- ۲- نبود عزم ملی در اجرای سیاست واگذاری سهام دولت به بخش خصوصی
- ۳- تعدد مراکز تصمیم‌گیری در امر خصوصی سازی
- ۴- انتخاب روش‌های نامتناسب با امکانات جامع برای خصوصی سازی
- ۵- عدم تفکیک دستگاه‌های واگذارنده سهام و نهاد متولی اجرای سیاست خصوصی سازی
- ۶- مشخص نبودن گروه‌های خریداران (ذینفع) و فروشندگان (ذینفوذ) در امر خصوصی -

سازی (قره خانی، ۱۳۸۹: ۹۵-۹۴).

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی بود و روش پژوهش در این بخش به روش ترکیبی^۱ (آمیخته) شامل مرحله کیفی و کمی بود و از نوع طرح‌های تحقیق آمیخته اکتشافی^۲ بود. جامعه آماری این پژوهش اساتید رشته مدیریت ورزشی با مدرک دکتری، متخصصان و خبرگان حوزه خصوصی سازی ورزش بودند که با توجه به استعلام به عمل آمده از سازمان جذب هیات علمی وزارت علوم و سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی تعداد اساتید رشته مدیریت ورزش دانشگاه‌ها ۳۴۵ نفر بود. افراد خبره در حوزه خصوصی سازی مدنظر در این پژوهش نیز شامل افرادی بودند که حداقل یک مقاله علمی پژوهشی، کتاب و یا طرح پژوهشی در حوزه خصوصی سازی ورزش داشته اند که با توجه به بررسی‌های به عمل آمده تعداد متخصصان و خبرگان حوزه خصوصی سازی ۳۵ نفر بود. بر این اساس تعداد نمونه‌های پژوهش حاضر جمعاً ۳۸۰ نفر را تشکیل می‌دهند. روش نمونه گیری این پژوهش عمدی و قضاوتی در مرحله کیفی و در مرحله کمی نیز انتخابی در دسترس بود که برای مرحله کیفی پژوهش تعداد ۲۰ نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند. البته لازم به ذکر است که پس از مصاحبه با نفر پانزدهم تقریباً پاسخ‌ها تکراری شده بود ولیکن برای اطمینان بیشتر مصاحبه تا نفر بیستم ادامه پیدا نمود تا محقق به اشباع نظری رسید. برای تعیین حجم نمونه در مرحله کمی از فرمول کوکران استفاده شد و تعداد ۱۹۱ نفر به عنوان نمونه پژوهش تعیین شد و ۱۰ درصد به دلیل احتمال ریزش نمونه‌ها به این تعداد اضافه گردید و براین اساس تعداد ۲۱۰ نفر برای پژوهش در نظر گرفته شدند که تعداد ۱۹۸ نفر پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند و بنابراین حجم نمونه پژوهش حاضر ۱۹۸ نفر بود. جهت بررسی موضوع پژوهش، جمع آوری و استخراج داده‌ها از سه ابزار به شرح زیر استفاده شد:

الف) مطالعه کتابخانه‌ای

ب) مصاحبه اکتشافی نیمه ساختار یافته

ج) پرسشنامه محقق ساخته

با توجه به اینکه در خصوص الزامات اجرایی- اجتماعی مورد نیاز قبل از خصوصی سازی ورزش شاخص های خاصی وجود نداشت و پرسشنامه ای برای سنجش نظر افراد نمونه پژوهش در دسترس نبود لذا محقق برای یافتن و شناسایی این الزامات از طرح پژوهش آمیخته اکتشافی استفاده نمود. بنابراین نیاز بود تا در ابتدا از طریق یک مطالعه کیفی، نظرات تخصصان و خبرگان صاحب نظر در موضوع پژوهش گرفته شود و سپس با توجه به نقطه نظرات مطرح شده از سوی آنان، مولفه های مختلف مورد نظر محقق برای انجام پژوهش انتخاب و ساماندهی گردد. بر همین اساس، محقق با مراجعه به افراد متخصص و صاحب نظر با انجام مطابحه ای نیمه ساختار یافته نقطه نظرات مختلف را جمع آوری نمود و این فرایند تا جایی که مطالب عنوان شده جنبه تکراری پیدا نمود و محقق به اشباع نظری رسید ادامه یافت. در این بخش از پژوهش، برای تحلیل مصاحبه های انجام شده، محقق اقدام به پیاده سازی متن مصاحبه ها و تحلیل محتوای کیفی آن ها نمود. بدین منظور متن مصاحبه ها مورد بررسی قرار گرفته و نکات کلیدی بیان شده توسط افراد نمونه پژوهش یادداشت برداری و تلخیص شد. سپس نکات به دست آمده از مصاحبه ها دسته بندی و مجدداً به افراد بازگردانده شد و از آنان خواسته شد تا نظر خود را برای بار دوم اعلام نمایند. در نهایت برای سومین مرتبه مطالب استخراج شده از نقطه نظرات افراد نمونه در قالب مولفه های الزام اجرایی قبل از خصوصی سازی ورزش به افراد نمونه بازگردانده شد تا نظرات نهایی خود را اعلام نمایند. در پایان مراحل مصاحبه با استفاده از نظرات افراد خبره مولفه های مختلف الزام اجرایی قبل از اقدام به واگذاری ورزش به بخش خصوصی تعیین گردید و براساس آن ها و با راهنمایی اساتید راهنما و مشاور اقدام به طراحی پرسشنامه محقق ساخته شد. در این راستا، بر اساس شاخص های تعیین شده، ابعاد مختلف پرسشنامه ها مشخص شدند و همچنین، بر اساس زیرشاخص های مشخص شده در هر بخش، گویه های مربوط به هر یک از ابعاد مورد نظر در پرسشنامه تدوین شدند.

برای سنجش روایی صوری و محتوایی ابزار اندازه گیری، پرسشنامه های پژوهش در اختیار ۱۲ نفر از اساتید رشته مدیریت ورزشی قرار گرفت و پس از اصلاحات مورد نظر تایید گردید. همچنین برای بررسی روایی سازه پرسشنامه ها از تحلیل عاملی تاییدی استفاده گردید. برای سنجش میزان پایایی، پرسشنامه ها بین ۳۰ نفر از افراد نمونه پژوهش توزیع شد و نتایج در نرم

افزار spss ثبت گردید و از روش ترکیبی استفاده گردید و ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه $\alpha = 0/79$ به دست آمد که قابل قبول است.

به منظور تجزیه و تحلیل تحلیل داده‌ها در فاز کیفی پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده گردید که در آن متن مصاحبه‌های انجام شده پیاده سازی و نکات کلیدی آن که در راستای اهداف پژوهش بود کدگذاری گردید تا در نهایت الزامات اجرایی پیش از خصوصی سازی ورزش با تایید گروه خبرگان شناسایی و مورد تایید قرار گرفت. در مرحله پژوهش کمی، روش پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی بود. پس از تدوین شاخص‌های مورد نظر در مرحله کیفی، پرسشنامه محقق ساخته طراحی و پس از تایید روایی و پایایی در بین افراد نمونه پژوهش توزیع شد. در بخش کمی پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، از روش آمار توصیفی (محاسبه فراوانی، میانگین، درصد و ...) استفاده شد. همچنین اولویت و رتبه‌بندی کردن الزامات اجرایی پیش از واگذاری خصوصی سازی با استفاده از بارهای عاملی به دست آمده انجام شد. کلیه تجزیه و تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری لیزرل ۸/۸ و Spss ۲۰ در سطح معناداری ($\alpha = 0/05$) انجام شد.

نتایج

نحوه توزیع آزمودنی‌های پژوهش بر حسب جنسیت در جدول شماره ۱ نشان داده شده است:

جدول ۱- ویژگی‌های فردی آزمودنی‌های پژوهش

درصد فراوانی	فراوانی		
۷۱ / ۷	۱۴۲	مرد	جنسیت
۲۸ / ۳	۵۶	زن	
۱۰۰	۱۹۸	جمع کل	
۳	۶	سال ۲۰ - ۳۰	سن
۷۳ / ۷	۱۴۶	سال ۳۱ - ۴۰	
۱۵ / ۷	۳۱	سال ۴۱ - ۵۰	

۷/۶	۱۵	۵۰ سال به بالا	
۱۰۰	۱۹۸	جمع کل	
۸/۱	۱۶	کارشناسی ارشد	
۹۱/۹	۱۸۲	دکتری	
۱۰۰	۱۹۸	جمع کل	
۴	۸	صاحب باشگاه	شغل
۸۶/۹	۱۷۲	استاد دانشگاه	
۵/۱	۱۰	مدیر ورزشی	
۴	۸	مربی ورزش	
۱۰۰	۱۹۸	جمع کل	
۹۰/۹	۱۸۰	تربیت بدنی	رشته تحصیلی
۹/۱	۱۸	سایر رشته‌ها	
۱۰۰	۱۹۸	جمع کل	

از میان پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه (۱۹۸ نفر) از لحاظ جنسیت، ۷/۷ درصد (۱۴۲ نفر) مرد و ۳/۲۸ درصد (۵۶ نفر) زن از لحاظ سنی، ۳ درصد (۶ نفر) بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۷/۷۳ درصد (۴۶ نفر) بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۷/۱۵ درصد (۳۱ نفر) بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۶/۷ درصد (۱۵ نفر) ۵۱ سال به بالا، از لحاظ میزان تحصیلات، ۸/۱ درصد (۱۶ نفر) کارشناسی ارشد و ۹۱/۹ درصد (۱۸۲ نفر) دکتری، از لحاظ شغل، ۴ درصد (۸ نفر) صاحب باشگاه، ۹/۸۶ درصد (۱۷۲ نفر) استاد دانشگاه و ۵/۱ درصد (۱۰ نفر) مدیر ورزشی، ۴ درصد (۸ نفر) مربی ورزش و از لحاظ رشته تحصیلی، ۹۰/۹ درصد (۱۸۰ نفر) تربیت بدنی، ۹/۱ درصد (۱۸ نفر) سایر رشته‌ها بوده‌اند.

به منظور بررسی میزان کفایت نمونه‌گیری برای انجام تحلیل‌های آماری از آزمون KMO و بارتلت استفاده گردید که نتایج آن در جدول شماره ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲- آزمون KMO و بارتلت

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		۰/۷۶۵
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	۷۶۲۳/۳۳۴
	Df	۷۹۵
	Sig.	۰/۰۰۱

با توجه به عدد KMO (بزرگتر از ۰.۷) و عدد معناداری آزمون بارتلت ($\text{sig} < ۰.۰۵$) می‌توان گفت که داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی مناسب است و از شرایط مورد نیاز برخوردار است. برای تعیین اولویت مولفه‌های الزام اجرایی با رویکرد مسائل اجتماعی قبل از خصوصی سازی از روش تحلیل عامل اکتشافی استفاده شد (جدول ۳):

جدول ۳- اشتراکات اولیه

	Initial	Extraction
A1	۱/۰۰	۰/۶۸۲
A2	۱/۰۰	۰/۷۱۳
A3	۱/۰۰	۰/۷۲۳
A4	۱/۰۰	۰/۷۱۱
A5	۱/۰۰	۰/۶۹۲
A6	۱/۰۰	۰/۶۸۷
A7	۱/۰۰	۰/۷۰۳
B1	۱/۰۰	۰/۷۱۸
B2	۱/۰۰	۰/۷۱۴
B3	۱/۰۰	۰/۷۹۲
B4	۱/۰۰	۰/۸۳۱
B5	۱/۰۰	۰/۶۸۲
C1	۱/۰۰	۰/۷۲۷
C2	۱/۰۰	۰/۶۸۵
C3	۱/۰۰	۰/۶۵۳

C4	۱/۰۰	۰/۷۲۴
C5	۱/۰۰	۰/۶۸۵
D1	۱/۰۰	۰/۶۸۲
D2	۱/۰۰	۰/۶۴۱
D3	۱/۰۰	۰/۸۷۶
D4	۱/۰۰	۰/۸۴۳
D5	۱/۰۰	۰/۷۲۴
D6	۱/۰۰	۰/۷۹۲
E1	۱/۰۰	۰/۸۳۱
E2	۱/۰۰	۰/۶۸۲
E3	۱/۰۰	۰/۶۴۱
E4	۱/۰۰	۰/۸۷۶
E5	۱/۰۰	۰/۸۴۳
F1	۱/۰۰	۰/۷۲۴
F2	۱/۰۰	۰/۶۸۵
F3	۱/۰۰	۰/۶۵۳
F4	۱/۰۰	۰/۷۲۴
Extraction Method: Principal Component Analysis.		

این جدول دارای دو ستون Initial و Extraction است که نشان‌دهنده اشتراک یک متغیر (گویه) برابر با مربع همبستگی چندگانه با عامل‌ها است. ستون اول اشتراکات اولیه، اشتراک‌ها را قبل از استخراج عامل (یا عامل‌ها) بیان می‌کند و تمامی اشتراک‌های اولیه برابر یک است و هر چه مقادیر اشتراک استخراجی بزرگتر باشد (یعنی بزرگتر از ۰.۵) عامل‌های موردنظر را بهتر توصیف (نمایش) می‌دهند. بنابراین جدول بالا نشان‌دهنده مناسب بودن تمامی سؤالات در فرآیند تحلیل عاملی می‌باشد به علت اینکه عدد اشتراکات سؤالات از ۰.۵ بیشتر است.

جدول ۴- کل واریانس تبیین شده

عامل- ها	مقدار ویژه			مجموع مجذور بارهای عاملی (قبل از چرخش)			مجموع مجذور بارهای عاملی (بعد از چرخش)		
	جمع	نسبت از واریانس (%)	درصد تجمعی	جمع	نسبت از واریانس (%)	درصد تجمعی	جمع	نسبت از واریانس (%)	درصد تجمعی
۱	۷/۹۵۶	۱۹/۹۷۲	۱۹/۹۷۲	۷/۹۵۶	۱۹/۹۷۲	۱۹/۹۷۲	۵/۳۵۵	۱۲/۴۵۴	۱۲/۴۵۴
۲	۶/۰۱۴	۱۴/۹۹۸	۳۴/۹۷۰	۶/۰۱۴	۱۴/۹۹۸	۳۴/۹۷۰	۵/۲۶۸	۱۲/۲۵۱	۲۴/۷۰۴
۳	۴/۵۹۰	۱۰/۶۷۵	۴۵/۰۹۷	۴/۵۹۰	۱۰/۶۷۵	۴۵/۰۹۷	۴/۷۶۸	۱۱/۰۸۷	۳۵/۷۹۲
۴	۳/۹۷۲	۹/۲۳۷	۵۴/۳۳۴	۳/۹۷۲	۹/۲۳۷	۵۴/۳۳۴	۴/۶۷۹	۱۰/۹۹۳	۴۶/۷۸۵
۵	۳/۵۸۳	۸/۳۳۲	۶۲/۶۶۶	۳/۵۸۳	۸/۳۳۲	۶۲/۶۶۶	۴/۵۴۷	۱۰/۷۴۶	۵۷/۵۳۱
۶	۲/۹۳۹	۶/۸۳۶	۶۹/۵۰۲	۲/۹۳۹	۶/۸۳۶	۶۹/۵۰۲	۴/۰۰۷	۱۰/۴۱۴	۶۷/۹۴۵
۷	۲/۴۷۳	۵/۷۵۰	۷۵/۲۵۲						
۸	۱/۳۸۱	۳/۲۱۱	۷۸/۴۶۳						
۹	۱/۰۶۴	۲/۴۷۵	۸۰/۹۳۸						
۱۰	۰/۷۱۷	۱/۶۶۷	۸۲/۶۰۵						
۱۱	۰/۶۳۵	۱/۴۷۶	۸۴/۰۸۱						
۱۲	۰/۶۳۲	۱/۴۷۰	۸۵/۵۵۰						
۱۳	۰/۵۲۹	۱/۲۳۱	۸۶/۷۸۱						
۱۴	۰/۴۹۵	۱/۲۱۶	۸۷/۹۹۷						
۱۵	۰/۴۰۵	۱/۱۸۱	۸۹/۱۷۸						
۱۶	۰/۳۷۴	۱/۱۵۱	۹۰/۳۲۹						
۱۷	۰/۳۴۵	۰/۹۴۲	۹۱/۲۷۱						
۱۸	۰/۳۱۷	۰/۸۷۱	۹۲/۱۴۲						
۱۹	۰/۳۰۵	۰/۸۰۲	۹۲/۹۴۴						
۲۰	۰/۲۷۵	۰/۷۳۸	۹۳/۶۸۳						
۲۱	۰/۲۶۵	۰/۷۰۹	۹۴/۳۹۱						
۲۲	۰/۲۳۰	۰/۶۴۰	۹۵/۰۳۱						
۲۳	۰/۲۲۴	۰/۶۱۵	۹۵/۶۴۶						
۲۴	۰/۲۰۹	۰/۶۰۰	۹۶/۲۴۶						
۲۵	۰/۱۹۸	۰/۵۷۱	۹۶/۸۱۷						
۲۶	۰/۱۹۳	۰/۵۳۷	۹۷/۳۵۴						

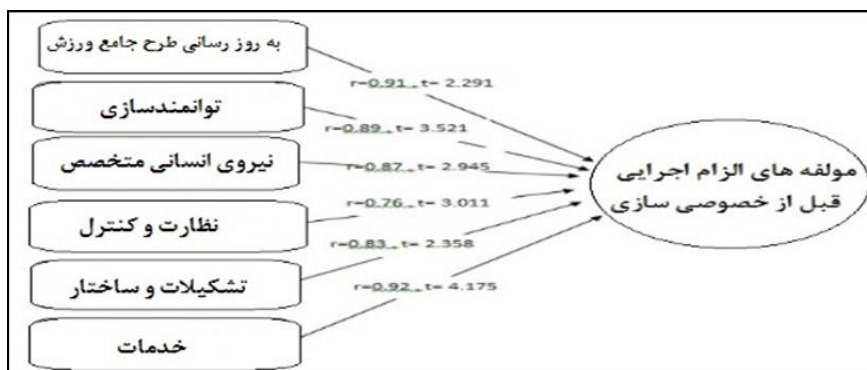
۲۷	۰/۱۹۰	۰/۴۹۹	۹۷/۸۵۳						
۲۸	۰/۱۸۷	۰/۴۴۷	۹۸/۳۰۰						
۲۹	۰/۱۸۱	۰/۴۴۰	۹۸/۷۴۰						
۳۰	۰/۱۷۶	۰/۴۳۳	۹۹/۱۷۳						
۳۱	۰/۱۷۲	۰/۴۱۹	۹۹/۵۹۲						
۳۲	۰/۱۶۵	۰/۴۰۸	۱۰۰/۰۰						
Extraction Method: Principal Component Analysis.									

جدول کل واریانس تبیین شده نشان می‌دهد که این سؤالات ۶ عامل را تشکیل می‌دهند و این عامل‌ها در حدود ۶۷.۹۴۵ درصد واریانس را تبیین و پوشش می‌نمایند که در واقع نشان-دهنده‌ی روایی مناسب سؤالات است. در ادامه ماتریس چرخش یافته‌ی عاملی آورده می‌شود. این ماتریس همبستگی گویه (سؤالات یا متغیرها) و عامل را مشخص می‌کند که براساس میزان همبستگی این ارتباط روشن خواهد شد. در این ماتریس بارهای عاملی (نمرات عاملی) هر یک از متغیرها بزرگتر از ۰.۵ می‌باشند و زیر چتر عامل موردنظر قرار می‌گیرند که هر چقدر مقدار این ضریب بیشتر باشد عامل مربوطه نقش بیشتری در کل تغییرات (واریانس) متغیر موردنظر دارد. جدول زیر نشان می‌دهد که چه سؤالاتی و با چه بارهای عاملی به این عامل‌ها مرتبط هستند.

جدول ۵- ماتریس چرخش یافته‌ی عاملی

گویه‌ها	اجزای (عناصر)					
	۱	۲	۳	۴	۵	۶
A1	-۰/۱۳۱	۰/۲۰۹	۰/۸۲۲	۰/۰۷۷	۰/۱۳۸	۰/۰۴۵
A2	-۰/۱۴۱	۰/۱۸۴	۰/۸۶۲	۰/۱۵۹	۰/۱۲۸	۰/۱۴۴
A3	-۰/۱۴۴	۰/۱۵۶	۰/۸۲۲	۰/۱۲۹	۰/۱۶۴	۰/۱۱۹
A4	-۰/۰۳۹	۰/۱۵۷	۰/۸۷۶	۰/۰۰۲	۰/۱۲۰	۰/۰۰۴
A5	-۰/۱۴۹	۰/۲۰۶	۰/۸۰۰	۰/۱۳۱	۰/۱۰۶	۰/۱۳۲
A6	-۰/۰۲۸	۰/۱۴۷	۰/۸۶۷	-۰/۰۰۳	۰/۱۰۱	۰/۰۵۹
A7	۰/۰۰۹	۰/۲۲۵	۰/۸۵۲	۰/۰۰	۰/۰۳۰	۰/۰۱۸
B1	-۰/۰۷۳	۰/۸۸۲	۰/۰۷۲	۰/۰۰۶	-۰/۰۲۱	-۰/۰۵۰

B2	-.129	<u>۰/۸۷۵</u>	.059	-.071	-.008	۰/۰۱۵
B3	-۰/۰۹۳	<u>۰/۸۳۸</u>	۰/۰۹۴	۰/۰۵۳	-۰/۰۳۹	۰/۰۱۰
B4	-۰/۱۳۳	<u>۰/۸۳۶</u>	۰/۱۵۶	-۰/۰۲۰	۰/۰۴۳	۰/۱۲۷
B5	-۰/۰۹۴	<u>۰/۸۲۳</u>	۰/۱۵۱	۰/۰۶۸	۰/۰۲۶	۰/۰۸۱
C1	-۰/۰۶۸	۰/۰۲۶	۰/۲۶۱	<u>۰/۸۹۰</u>	۰/۱۰۸	۰/۱۱۶
C2	-۰/۰۷۳	۰/۰۳۸	۰/۰۷۲	<u>۰/۸۷۰</u>	۰/۰۲۱	-۰/۰۵۰
C3	۰/۰۱۸	۰/۰۱۷	۰/۰۷۰	<u>۰/۹۱۳</u>	۰/۱۳۳	۰/۰۶۳
C4	۰/۰۱۹	۰/۰۲۰	-۰/۰۶۸	<u>۰/۸۵۹</u>	۰/۰۱۳	۰/۰۴۶
C5	۰/۱۴۵	۰/۰۲۱	۰/۰۷۴	<u>۰/۷۳۵</u>	۰/۰۵۷	۰/۰۲۹
D1	۰/۰۰۴	-۰/۰۲۲	۰/۱۰۰	۰/۱۱۹	۰/۱۳۷	<u>۰/۹۰۴</u>
D2	۰/۰۵۳	۰/۰۲۴	۰/۱۲۱	۰/۰۳۵	۰/۰۹۹	<u>۰/۸۲۹</u>
D3	۰/۰۲۷	-۰/۰۴۶	۰/۱۱۸	۰/۰۷۶	۰/۰۲۶	<u>۰/۸۷۳</u>
D4	-۰/۰۹۰	۰/۱۳۵	-۰/۰۲۱	۰/۰۳۲	-۰/۰۰۴	<u>۰/۹۲۱</u>
D5	-۰/۰۸۰	۰/۰۴۰	۰/۱۰۱	۰/۰۶۳	۰/۰۳۸	<u>۰/۹۱۲</u>
D6	۰/۰۵۳	۰/۰۴۵	۰/۱۳۱	۰/۰۸۳	۰/۰۸۸	<u>۰/۸۲۹</u>
E1	<u>۰/۸۵۷</u>	۰/۰۶۶	۰/۰۷۵	۰/۲۲۷	۰/۰۵۲	۰/۰۰۹
E2	<u>۰/۹۰۱</u>	-۰/۰۱۱	۰/۱۱۹	۰/۰۱۶	۰/۰۴۲	-۰/۰۷۰
E3	<u>۰/۸۴۳</u>	۰/۰۸۸	۰/۰۳۵	۰/۰۰۹	-۰/۰۰۶	-۰/۰۹۰
E4	<u>۰/۷۳۴</u>	-۰/۰۷۵	۰/۰۷۶	۰/۱۱۵	۰/۰۸۲	-۰/۰۱۲
E5	<u>۰/۸۶۹</u>	۰/۰۰۹	۰/۱۲۸	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۸	-۰/۱۱۲
F1	-۰/۱۳۹	-۰/۰۷۰	۰/۰۱۳	۰/۱۳۰	<u>۰/۰۷۳۵</u>	-۰/۰۱۵
F2	۰/۰۵۶	-۰/۰۵۸	۰/۱۸۲	۰/۰۹۸	<u>۰/۸۰۱</u>	۰/۰۱۷
F3	۰/۰۲۱	۰/۰۱۲	-۰/۰۴۴	-۰/۰۳۲	<u>۰/۸۲۱</u>	۰/۰۰
F4	-۰/۰۱۹	۰/۰۷۶	۰/۰۹۲	۰/۰۴۱	<u>۰/۷۵۴</u>	-۰/۰۲۸



شکل ۱- مدل ساختاری پژوهش همراه با ضرایب بارهای عاملی

جدول ۶- بررسی شاخص های نیکویی برازش

RMSEA	GFI	NFI	CFI	AGFI	X ² / df
۰ / ۰۸۶	۰ / ۹۱	۰ / ۹۳	۰ / ۹۵	۰ / ۹۲	۱ / ۸۶

شاخص های برازش نشان داد که عامل های در نظر گرفته شده دارای اعتبار سازه بسیار مناسبی هستند.

جدول ۷- بارهای عاملی مولفه های الزام اجرایی با رویکرد مسائل اجتماعی قبل از خصوصی سازی ورزش

بار عاملی	مولفه	ردیف
۰ / ۹۲	به روز کردن طرح جامع ورزش	۱
۰ / ۸۸	توانمند سازی بخش خصوصی	۲
۰ / ۸۷	نیروی انسانی توانمند	۳
۰ / ۸۵	نظارت و کنترل	۴
۰ / ۸۱	تشکیلات و ساختار	۵
۰ / ۷۹	خدمات	۶

جدول ۸- آزمون فریدمن برای رتبه بندی شاخص‌های «به روز کردن طرح جامع ورزش»

رتبه	گویه‌ها	میانگین رتبه	تعداد	خی دو	df	Sig.
۱	ورزش پرورشی	۳/۶۴	۱۹۸	۲۷۴/۶۹۲	۳	۰/۰۰۰
۲	ورزش همگانی	۲/۳۳				
۳	ورزش قهرمانی	۲/۰۶				
۴	ورزش حرفه‌ای	۱/۹۷				

یافته‌های جدول ۸ نشان می‌دهد که بین گویه‌های مختلف مولفه به روز کردن طرح جامع ورزش تفاوت معناداری وجود دارد و این شاخص‌ها از رتبه یکسانی برخوردار نیستند.

جدول ۹- آزمون فریدمن برای رتبه بندی شاخص‌های «توانمندسازی بخش خصوصی»

رتبه	گویه‌ها	میانگین رتبه	تعداد	خی دو	df	Sig.
۱	اعطای معافیت‌های مالیاتی و گمرکی	۳/۷۲	۱۹۸	۲۱۶/۰۹۴	۳	۰/۰۰۰
۲	اعطای تسهیلات بانکی با سود کم	۲/۹۴				
۳	تسهیل روند صدور مجوز	۲/۲۶				
۴	تدوین برنامه‌های حمایتی از بخش خصوصی علاقمند به سرمایه گذاری در بخش خصوصی	۱/۹۴				

یافته‌های جدول ۹ نشان می‌دهد که بین گویه‌های مختلف مولفه توانمندسازی بخش خصوصی تفاوت معناداری وجود دارد و این شاخص‌ها از رتبه یکسانی برخوردار نیستند.

جدول ۱۰- آزمون فریدمن برای رتبه بندی شاخص های نیروی انسانی توانمند

رتبه	گویه ها	میانگین رتبه	تعداد	خی دو	df	Sig.
۱	عوامل مدیریتی	۲ / ۶۷	۱۹۸	۱۷۹ / ۳۱۵	۲	۰ / ۰۰۰
۲	عوامل رفتاری	۲ / ۰۵				
۳	عوامل زمینه ای	۱ / ۶۶				

یافته های جدول ۱۰ نشان می دهد که بین گویه های مختلف مولفه نیروی انسانی توانمند تفاوت معناداری وجود دارد و این شاخص ها از رتبه یکسانی برخوردار نیستند.

جدول ۱۱- آزمون فریدمن برای رتبه بندی شاخص های «نظارت و کنترل»

رتبه	گویه ها	میانگین رتبه	تعداد	خی دو	df	Sig.
۱	سنجش عملکرد	۳ / ۳۹	۱۹۸	۲۱۶ / ۰۹۴	۳	۰ / ۰۰۰
۲	تعیین معیارها یا استانداردها	۲ / ۸۸				
۳	تشخیص انحرافات	۲ / ۰۳				
۴	انجام اقدامات اصلاحی	۱ / ۷۹				

یافته های جدول ۱۱ نشان می دهد که بین گویه های مختلف مولفه نظارت و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد و این شاخص ها از رتبه یکسانی برخوردار نیستند.

جدول ۱۲- آزمون فریدمن برای رتبه بندی شاخص های «تشکیلات و ساختار»

رتبه	گویه ها	میانگین رتبه	تعداد	خی دو	df	Sig.
۱	دارا بودن ساختار سازمانی مشخص	۲ / ۸۹	۱۹۸	۱۹۸ / ۲۱۴	۲	۰ / ۰۰۰
۲	برخوردار بودن از حسن شهرت و سابقه	۲ / ۱۵				
۳	برخوردار بودن از ضمانت های مالی و اجرایی	۱ / ۸۶				

یافته های جدول ۱۲ نشان می دهد که بین گویه های مختلف مولفه تشکیلات و ساختار تفاوت معناداری وجود دارد و این شاخص ها از رتبه یکسانی برخوردار نیستند.

جدول ۱۳- آزمون فریدمن برای رتبه بندی شاخص‌های «خدمات»

رتبه	گویه‌ها	میانگین رتبه	تعداد	خی دو	df	Sig.
۱	مسئولیت پذیری کارکنان	۳/۷۵	۱۹۸	۳۱۶/۲۴۳	۳	۰/۰۰۰
۲	قابلیت اطمینان از کیفیت خدمات	۲/۹۶				
۳	ضمانت اجرایی خدمات	۲/۲۳				
۴	همدلی کارکنان	۱/۹۲				

یافته‌های جدول ۱۳ نشان می‌دهد که بین گویه‌های مختلف مولفه خدمات تفاوت معناداری وجود دارد و این شاخص‌ها از رتبه یکسانی برخوردار نیستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر شناسایی و اولویت بندی مولفه‌های الزام اجرایی با رویکرد مسائل اجتماعی قبل از خصوصی سازی ورزش بود. در این رابطه یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که قبل از انجام فرایند واگذاری باید الزامات آن را در نظر بگیریم و لذا شناسایی الزامات باید مورد توجه قرار بگیرد. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش شش مولفه مختلف از الزام اجرایی مورد شناسایی قرار گرفتند که به ترتیب اولویت عبارت بودند از: (۱) به روز کردن طرح جامع ورزش با بار عاملی ۰/۹۲، (۲) توانمند سازی بخش خصوصی با بار عاملی ۰/۸۸، (۳) نیروی انسانی توانمند با بار عاملی ۰/۸۷، (۴) نظارت و کنترل با بار عاملی ۰/۸۵، (۵) تشکیلات و ساختار با بار عاملی ۰/۸۱ و (۶) خدمات با بار عاملی ۰/۷۹.

صفتی‌راد (۱۳۹۵) در نتیجه پژوهش خود در زمینه خصوصی سازی ورزش به عواملی همچون نیروی انسانی کارآمد، ساختار اجرایی و خدمات اشاره نمود و توجه به این عوامل را در روند بهتر اجرای خصوصی سازی ورزش موثر دانست. علیدوست قهفرخی و همکاران (۱۳۹۲) در نتیجه پژوهش خود گزارش نمود که برای اجرای موفق تر فرایند خصوصی سازی ورزش باید نظارت و کنترل بر روند خصوصی سازی، توانمند بودن نیروی انسانی، برخورداری از ساختار با کیفیت و ارائه خدمات موثر در بخش خصوصی مورد توجه قرار بگیرد. قره‌خانی

(۱۳۸۹) گزارش نمود که برای اجرای خصوصی سازی ورزش باید ساختار ورزش کشور اصلاح شود. علیزاده و هنری (۱۳۹۴) در نتیجه پژوهش خود به اهمیت توانمند بودن نیروی انسانی در فرایند خصوصی سازی ورزش اشاره کردند و ضعف نیروی انسانی را از جمله موانع پیش روی خصوصی سازی در ورزش گزارش نمودند. صبحانی و همکاران (۱۳۹۱) به اهمیت توجه به الزام اجرایی در خصوصی سازی ورزش توجه نموده و گزارش کردند که چالش‌های اجرایی برای خصوصی سازی ورزش شامل موانع اقتصادی، قانونی، اجتماعی، مدیریتی و اجرایی است.

یافته‌های پژوهش حاضر درخصوص اهمیت توجه به الزامات و پیش نیازهای لازم قبل از اجرای خصوصی سازی ورزش با یافته‌های پژوهش‌های صفتی راد (۱۳۹۵)، علیزاده و هنری (۱۳۹۴)، علیدوست قهفرخی و همکاران (۱۳۹۲)، صبحانی و همکاران (۱۳۹۱)، قره‌خانی (۱۳۸۹)، رضوی (۱۳۸۵)، ناصح (۲۰۱۳)، گروسکیف (۲۰۰۴) و ایوبی (۱۹۹۶) همسو است. یکی از مولفه‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر به روز کردن طرح جامع ورزش بود. در این رابطه یافته‌های پژوهش نشان داد که مبحث خصوصی سازی در طرح جامع ورزش باید به روز رسانی شده و در این رابطه مولفه‌های مربوط به انواع ورزش‌ها براساس نظر آزمودنی‌های پژوهش به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: ورزش پرورشی با میانگین $۳/۶۴$ رتبه اول، ورزش همگانی با میانگین $۲/۳۳$ رتبه دوم، ورزش قهرمانی با میانگین $۲/۰۶$ رتبه سوم و در نهایت ورزش حرفه‌ای با میانگین $۱/۹۷$ رتبه چهارم.

نودهی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان تدوین استراتژی ورزش روستایی و بومی و محلی استان گلستان گزارش نمودند که ایجاد انگیزه برای ورود بخش خصوصی و حمایت آن از ورزش روستایی و بومی و محلی از جمله راهکارهای توسعه این ورزش‌ها است. نیری و همکاران (۱۳۹۰) در نتیجه پژوهش خود گزارش کردند که توسعه ورزش‌های پایه و تربیتی در فرایند خصوصی سازی ورزش باید مورد توجه و اولویت قرار بگیرد. دلدار (۱۳۹۱) در نتیجه پژوهش خود با موضوع خصوصی سازی در ورزش که بر روی لیگ حرفه‌ای فوتبال کشور انجام داد اهمیت توجه به ورزش‌های حرفه‌ای در فرایند خصوصی سازی را مورد تاکید قرار داد. افسای (۱۳۹۱) در بررسی موانع توسعه باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای فوتبال کشور اشاره نمود

که خصوصی سازی در ورزش‌های قهرمانی و حرفه ای باید مورد توجه قرار بگیرد تا شاهد توسعه و پیشرفت ورزش باشیم. آصفی و اسدی (۱۳۹۵) در بررسی موانع توسعه ورزش همگانی در دانشگاه‌های دولتی گزارش نمودند که از جمله مشکلات و موانع توسعه ورزش همگانی کمبود منابع مالی دولت برای هزینه کردن در این بخش است و لذا واگذاری ورزش به بخش خصوصی می‌تواند موجب توسعه ورزش همگانی گردد. رضوی و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان خصوصی سازی در ورزش با تاکید بر ورزش قهرمانی نتیجه گرفتند که خصوصی سازی موجب توسعه ورزش قهرمانی می‌گردد و از طرف دیگر خصوصی سازی در ورزش قهرمانی موجب افزایش کارایی در بخش‌های مدیریتی ورزش خواهد شد.

وود کیم (۲۰۱۰) حمایت مالی بخش خصوصی را از عمده ترین دلایل توسعه ورزش در ایالات متحده دانسته و بیان می‌دارد که اگر سرمایه گذاری بخش خصوصی از ورزش برداشته شود، هیچ یک از ورزش‌های حرفه ای در این کشور نخواهند توانست به حیات خود ادامه دهند. قاسم زاده میرکلایی (۱۳۹۲) حمایت بخش خصوصی را یکی از راهبردهای توسعه ورزش دوومیدانی در ایران گزارش نمود. غفرانی (۱۳۹۲) در پژوهش خود افزایش مشارکت بخش خصوصی در سرمایه گذاری در ورزش را به عنوان استراتژی توسعه ورزش همگانی و قهرمانی استان سیستان و بلوچستان بیان کرد. سیف پناهی (۱۳۹۰) در پژوهش خود جلب و جذب حمایت‌های بخش دولتی و خصوصی به منظور توسعه ورزش استان کردستان مناسب دانست. در مورد حمایت بخش خصوصی از ورزش، یافته‌های این پژوهش با پژوهش قاسم زاده میرکلایی (۱۳۹۲)، غفرانی (۱۳۸۹)، سیف پناهی (۱۳۹۰) همخوانی دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص اهمیت توجه به خصوصی سازی در ابعاد مختلف ورزش کشور با یافته‌های پژوهش‌های نودهی و همکاران (۱۳۹۵)، آصفی و اسدی (۱۳۹۵)، افسای (۱۳۹۱)، دلدار (۱۳۹۱)، نیری و همکاران (۱۳۹۰) و رضوی و همکاران (۱۳۸۳)، قاسم زاده میرکلایی (۱۳۹۲)، غفرانی (۱۳۸۹)، سیف پناهی (۱۳۹۰) همخوانی دارد.

از جمله مولفه‌های دیگر مورد بررسی برای الزام اجرایی قبل از خصوصی سازی ورزش در پژوهش حاضر توانمندسازی بخش خصوصی بود. در واقع اگر بخش خصوصی از توانمندی لازم برخوردار باشد و این مساله قبل از واگذاری ورزش به آن مورد توجه قرار بگیرد می‌تواند

به موفقیت خصوصی سازی ورزش کمک نماید. گویه‌های مربوط به این مولفه از نظر آزمودنی‌های پژوهش به ترتیب اولویت عبارت بودند از: اعطای معافیت‌های مالیاتی و گمرکی با میانگین ۳/۷۲ رتبه اول، اعطای تسهیلات بانکی با سود کم با میانگین ۲/۹۴ رتبه دوم، تسهیل روند صدور مجوز با میانگین ۲/۲۶ رتبه سوم و در نهایت تدوین برنامه‌های حمایتی از بخش خصوصی علاقمند به سرمایه گذاری در بخش خصوصی با میانگین ۱/۹۴ رتبه چهارم.

فراهانی و همکاران (۱۳۹۴) بالا بودن هزینه‌های استفاده از خدمات ورزشی خصوصی را یکی از موانع توسعه ورزش عنوان نمودند و ناکافی بودن تسهیلات بانکی ارائه شده برای راه اندازی و ساخت اماکن ورزشی بخش خصوصی و عدم هماهنگی واحدهای اجرایی و تعدد آن‌ها برای صدور مجوز فعالیت به بخش خصوصی را از جمله مشکلات و چالش‌های موجود برای توسعه خصوصی سازی ورزش گزارش نمودند. زارع و همکاران (۱۳۹۱) در زمینه خصوصی سازی ورزش فوتبال ناکافی بودن تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی از طرف دولت را از جمله موانع توسعه خصوصی سازی در ورزش دانستند. قره خانی (۱۳۹۰) دادن وام‌های بانکی کم بهره به بخش خصوصی را از جمله راهکارهای توسعه خصوصی سازی ورزش گزارش نمود. محمدی مغانی (۱۳۹۴) تدوین برنامه‌های حمایتی از بخش خصوصی را از جمله راهکارهای ایجاد انگیزه در این بخش برای ورود و سرمایه گذاری در ورزش عنوان نمود. دلدار (۱۳۹۱) اعطای معافیت‌های مالیاتی به سرمایه گذاران و حامیان مالی در ورزش فوتبال را از جمله راهبردهای توسعه خصوصی سازی ورزش گزارش نمود. ووشیاو و همکاران (۲۰۰۷) عنوان کردند که به منظور افزایش میزان حضور حامیت کنندگان مالی و سرمایه گذاری بیشتر بخش خصوصی در ورزش باید دولت در صدور مجوز برای فعالیت و نیز اعطای معافیت‌های مالیاتی و تشویقی اهتمام بیشتری بورزد. کارلیز (۲۰۰۶) نشان داد که از مهمترین ضعف‌های خصوصی سازی در ورزش کانادا کاهش برنامه حمایت بخش دولتی از بخش خصوصی است و نیاز است تا مسئولان دولتی نسبت به حمایت بیشتر از بخش خصوصی مبادرت ورزند.

یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص اهمیت توانمندسازی بخش خصوصی برای حضور و حمایت از ورزش با نتایج پژوهش‌های محمدی مغانی (۱۳۹۴)، فراهانی و همکاران (۱۳۹۴)،

زارع و همکاران (۱۳۹۱)، دلداری (۱۳۹۱)، قره‌خانی (۱۳۹۰) و ووشیاو و همکاران (۲۰۰۷) همسو است.

یکی دیگر از مولفه‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر نیروی انسانی توانمند بود. در رابطه با توانمند بودن نیروی انسانی سه دسته از عوامل مورد نظر پژوهش بود که براساس نظر آزمودنی‌های پژوهش به ترتیب اولویت عبارت بودند از: عوامل مدیریتی با میانگین ۲/۶۷ رتبه اول، عوامل رفتاری با میانگین ۲/۰۵ رتبه دوم و عوامل زمینه‌ای با میانگین ۱/۶۶ رتبه سوم. علیزاده و هنری (۱۳۹۰) در نتیجه پژوهش خود گزارش کردند که ضعف نیروی انسانی در خصوصی سازی ورزش از جمله مشکلات و معضلات موجود بر سر راه خصوصی سازی ورزش است. عسگرزاده (۱۳۹۰) گزارش نمود که توانمندسازی نیروی انسانی می‌تواند به توسعه بهتر خصوصی سازی ورزش کمک نماید. محرم زاده و همکاران (۱۳۹۴) نبود افراد و کارشناسان فنی و توانمند در حوزه خصوصی سازی ورزش را از جمله چالش‌های اجرایی خصوصی سازی ورزش در شهرستان‌ها گزارش کردند. جوگا و همکاران (۲۰۱۰) نیز اهمیت وجود منابع انسانی توانمند را از جمله عوامل بهبود فرایند خصوصی سازی ورزش معرفی کردند. کانگ (۲۰۰۹) عنوان کرد که نبود نیروی انسانی ماهر و مدیریت کارآمد از جمله مشکلات موجود در خصوصی سازی ورزش است. تی سامنی و همکاران (۲۰۱۰) در نتیجه یافته‌های پژوهش خود گزارش کردند که توجه به عوامل مدیریتی و اجرایی در فرایند خصوصی سازی می‌تواند به موفقیت بیشتر این فرایند کمک نماید.

یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص اهمیت وجود نیروی انسانی توانمند برای خصوصی سازی ورزش با یافته‌های پژوهش‌های محرم زاده و همکاران (۱۳۹۴)، مندعلیزاده و هنری (۱۳۹۰)، تی سامنی و همکاران (۲۰۱۰)، جوگا و همکاران (۲۰۱۰) و ژانگ (۲۰۰۹) همخوانی دارد.

از جمله مولفه‌های دیگر مورد بررسی برای الزام اجرایی قبل از خصوصی سازی ورزش در پژوهش حاضر نظارت و کنترل بود. گویه‌های مربوط به این مولفه از نظر آزمودنی‌های پژوهش به ترتیب اولویت عبارت بودند از: سنجش عملکرد با میانگین ۳/۳۹ رتبه اول، تعیین

معیارها و استانداردها با میانگین ۲/۸۸ رتبه دوم، تشخیص انحرافات با میانگین ۲/۰۳ رتبه سوم و در نهایت انجام اقدامات اصلاحی با میانگین ۱/۷۹ رتبه چهارم.

رومو و همکاران (۲۰۱۰) در زمینه بهبود فرایند خصوصی سازی گزارش کردند که نظارت بر فعالیت‌ها و نحوه انجام وظایف محوله و نیز سنجش عملکرد افراد می‌تواند در بهبود روند خصوصی سازی موثر باشد. نودهی و همکاران (۱۳۹۵) گزارش نمودند که ورود بخش خصوصی به سیستم هر کشوری بار زیادی از دوش دولت بر می‌دارد؛ لیکن قبل از ورود این بخش به چرخه اجتماعی و اقتصادی، وضع قوانین کارآمد و نظارت موثر ضروری است تا بتوان در روند خصوصی سازی و توسعه ورزش موفقیت‌های بیشتری را به دست آورد. محمدی مغانی (۱۳۹۴) اشاره نمود که برای واگذاری ورزش به بخش خصوصی باید معیارها و استانداردهایی را لحاظ نمود تا پیش از فرایند واگذاری بخش خصوصی براساس این معیارها مورد سنجش قرار بگیرد و در صورت دارا بودن شرایط مناسب واگذاری انجام شود. بلتری (۲۰۱۶) درخصوص اجرای برنامه خصوصی سازی در کشور چین عنوان نمود که چنانچه در روند خصوصی سازی و در مراحل مختلف آن نظارت کافی و موثر انجام نشود، فرایند خصوصی سازی با مشکلات زیادی مواجه خواهد شد.

یافته‌های پژوهش حاضر درخصوص اهمیت توجه به مولفه نظارت و کنترل در خصوصی سازی ورزش با نتایج پژوهش‌های بلتری (۲۰۱۶)، رومو و همکاران (۲۰۱۰)، نودهی (۱۳۹۵) و محمدی مغانی (۱۳۹۴) همخوانی دارد.

یکی دیگر از مولفه‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر تشکیلات و ساختار بود. در رابطه با مولفه تشکیلات و ساختار سه دسته از عوامل مورد نظر پژوهش بود که براساس نظر آزمودنی‌های پژوهش به ترتیب اولویت عبارت بودند از: دارا بودن ساختار سازمانی مشخص با میانگین ۲/۸۹ رتبه اول، برخورداری از حسن شهرت و سابقه با میانگین ۲/۱۵ رتبه دوم و برخورداری از ضمانت‌های مالی و اجرایی با میانگین ۱/۸۶ رتبه سوم.

قره خانی (۱۳۸۹) موانع ساختاری را از جمله مشکلات توسعه خصوصی سازی ورزش در کشور مطرح نمود و نتیجه گرفت که برای بهبود وضعیت خصوصی سازی می‌بایست ساختار ورزش کشور اصلاح شود. پژوهش نیری و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان "بررسی تجارب،

اقدامات، الزامات و ملاحظات کشورهای منتخب در زمینه خصوصی سازی و توسعه مشارکت بخش خصوصی در حوزه ورزش " گزارش نمود که باید اصلاح ساختاری در ورزش کشور انجام شود تا بتوان به توسعه خصوصی سازی در ورزش پرداخت. مرادی چالشری و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی " موانع اقتصادی اثرگذار بر جذب سرمایه گذاری خارجی در صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران " نشان دادند که موانع اقتصادی اثرگذار بر جذب سرمایه گذاری خارجی را به سه دسته کلی می توان تقسیم کرد: دسته اول موانعی اند که ریشه در ساختار اقتصادی کشور دارند؛ دسته دوم موانعی که ریشه در ساختار صنعت ورزش کشور دارند؛ دسته سوم موانعی که ریشه در ساختار نهادهای فوتبال دارند. عسگرزاده (۱۳۹۰) در نتیجه پژوهش خود بر روی خصوصی سازی ورزش کشور گزارش نمود که باید به بهبود ساختار ورزش در کشور پردازیم تا بتوان مبحث خصوصی سازی ورزش را رونق داد. رضوی (۱۳۸۳) در پژوهشی به بررسی خصوصی سازی و اصلاح ساختار ورزش قهرمانی کشور پرداخت و در نتیجه یافته‌های خود اشاره نمود که یکی از راهکارهای توسعه ورزش قهرمانی اصلاح ساختار ورزش و واگذاری ورزش به بخش خصوصی است. ووشیاو و همکاران^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی که درباره خصوصی سازی اماکن ورزشی دولتی در چین انجام دادند نتیجه گرفتند که به منظور توسعه ورزش در این کشور باید اماکن ورزشی در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته و در این راه می‌بایست اصلاحاتی در ساختار ورزش این کشور انجام شود.

یافته‌های پژوهش حاضر درخصوص اهمیت توجه به مولفه تشکیلات و ساختار به عنوان یکی از مولفه‌های الزام اجرایی قبل از واگذاری ورزش به بخش خصوصی با یافته‌های پژوهش‌های مرادی چالشری و همکاران (۱۳۹۲)، نیری و همکاران (۱۳۹۰)، عسگرزاده (۱۳۹۰)، قره خانی (۱۳۸۹)، رضوی (۱۳۸۳) و ووشیاو و همکاران (۲۰۰۷) همسو است.

از جمله مولفه‌های دیگر مورد بررسی برای الزام اجرایی قبل از خصوصی سازی ورزش در پژوهش حاضر مولفه خدمات رسانی بود. گویه‌های مربوط به این مولفه از نظر آزمودنی‌های پژوهش به ترتیب اولویت عبارت بودند از: مسئولیت پذیری کارکنان با میانگین ۳/۷۵ رتبه

¹- Wu xiao

اول، قابلیت اطمینان از کیفیت خدمات با میانگین ۲/۹۶ رتبه دوم، ضمانت اجرایی خدمات با میانگین ۲/۲۳ رتبه سوم و در نهایت همدلی کارکنان با میانگین ۱/۹۲ رتبه چهارم.

ناصری پلنگرد و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی که به بررسی "تاثیر کیفیت خدمات ارائه شده بر وفاداری مشتریان باشگاه‌های بدنسازی بر اساس مدل سروکوال" پرداختند گزارش کردند که کیفیت خدمات ارائه شده موجب افزایش میزان رضایت مشتریان شده و در جذب آنان تاثیر مثبت و معناداری دارد. صفتی راد (۱۳۹۵) در پژوهشی به شناسایی عوامل موثر بر خصوصی سازی خدمات در باشگاه‌های ورزشی شهر رشت پرداخت و نوع خدمات ارائه شده و کیفیت آن را در خصوصی سازی ورزش موثر گزارش نمود. محمدی مغانی (۱۳۹۴) در پژوهشی به طراحی مدل نقش دولت در فرآیند خصوصی سازی ورزش ایران پرداخت و اثر کیفیت خدمات بخش خصوصی را بر توسعه ورزش مثبت و معنی دار گزارش نمود. دلدار (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی خصوصی سازی ورزش در لیگ حرفه ای فوتبال کشور پرداخت و گزارش کرد که اطمینان داشتن از اینکه بخش خصوصی می‌تواند به ارائه خدمات مورد انتظار دولت در حوزه ورزش پردازد باید در واگذاری ورزش به بخش خصوصی مورد توجه قرار بگیرد. وظیفه دوست و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر مسئولیت پذیری اجتماعی سازمان بر تصویر شرکت، رضایت و وفاداری مشتریان در صنعت بانکداری پرداختند و گزارش کردند که مسئولیت اجتماعی شرکت بر کیفیت خدمات ادراک شده و رضایت، تأثیر مثبت و مستقیمی دارد. همچنین نتایج حاکی از وجود تاثیر مثبت رضایت بر وفاداری رفتاری و نگرشی مشتریان بانک بود. همچنین نتایج نشان داد که انجام فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت می‌تواند اثری مثبت بر تصویر شرکت داشته باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص اهمیت توجه به مولفه خدمات رسانی به عنوان یکی از مولفه‌های الزام اجرایی قبل از واگذاری ورزش به بخش خصوصی با یافته‌های پژوهش‌های ناصری پلنگرد و همکاران (۱۳۹۵)، صفتی راد (۱۳۹۵)، محمدی مغانی (۱۳۹۴)، وظیفه دوست و همکاران (۱۳۹۳) و دلدار (۱۳۹۱) همسو است.

یافته‌های پژوهش نشان داد انجام فرایند خصوصی سازی در ورزش کشور نیازمند در نظر گرفتن پیش زمینه‌هایی است که به موفقیت خصوصی سازی کمک می‌نماید و از جمله این

پیش نیازها توجه به الزام اجرایی با رویکرد مسائل اجتماعی است. بر این اساس مسئولان و دست اندرکاران ورزش باید به اهمیت الزام اجرایی با رویکرد مسائل اجتماعی قبل از خصوصی سازی در ورزش توجه داشته باشند و در مراحل تصمیم گیری برای واگذاری ورزش به بخش خصوصی پیش زمینه‌های اجرایی و اجتماعی آن را مدنظر قرار دهند.

منابع

- ۱- افسای، علی. (۱۳۹۱)، بررسی موانع مدیریتی خصوصی سازی باشگاه‌های لیگ حرفه ای فوتبال کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه.
- ۲- اعزازی، محمد اسماعیل؛ فرخی استاد، مجتبی؛ فرخی استاد، مصطفی (۱۳۹۰). بررسی نقش واگذاری شرکت‌های دولتی در افزایش سودآوری و بازدهی آنها. پژوهش‌های مدیریت عمومی. سال چهارم، شماره سیزدهم، صص ۷۲-۴۹.
- ۳- پاداش دنیا. (۱۳۸۸)، اولویت بندی عوامل مؤثر بر خصوصی سازی باشگاه‌های ورزشی با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه اصفهان.
- ۴- رضوی، سید محمد حسین. (۱۳۸۳)، خصوصی سازی و اصلاح ساختار ورزش قهرمانی در کشور، نشریه حرکت، شماره ۲۷، صص ۳۱-۱۹.
- ۵- رضوی، سید محمد حسین (۱۳۸۵)، تحلیل سیاست خصوصی سازی در ورزش کشور با تاکید بر ورزش قهرمانی، دانشگاه تهران.
- ۶- صفتی راد، حسین (۱۳۹۵). شناسایی عوامل موثر بر خصوصی سازی خدمات در باشگاه‌های ورزشی شهر رشت. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده تربیت بدنی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
- ۷- عسکرزاده مریم، حیدری نژاد صدیقه. (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری در ورزش استان خوزستان، مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۱۲، صص ۷۴-۶۱.

- ۸- علیدوست قهفرخی ابراهیم، جلالی فراهانی مجید، گودرزی محمود، نادران، الیاس. (۱۳۹۲)، تحلیل موانع فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر اجرای سیاست‌هایی کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه ای ایران، نشریه مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۲۰، ص ۷۹-۹۶.
- ۹- فراهانی ابوالفضل، علی دوست قهفرخی ابراهیم، درخشنده قهفرخی سیده طاهره. (۱۳۹۴)، بررسی مشکلات و موانع باشگاه‌های ورزشی خصوصی شهرستان شهرکرد، نشریه مدیریت ورزشی، دوره ۷، شماره ۱، ص ۵۳-۶۷.
- ۱۰- قره خانی، حسن. (۱۳۸۹)، بررسی موانع و چالش‌های توسعه خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال ایران. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۱- قره خانی حسن، جبار سیف پناهی، شهرام فولادی حیدرلو (۱۳۹۴) طراحی مدل موانع خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۲۸؛ ص ۵۵.
- ۱۲- کابلی زاده، احمد. (۱۳۸۴)، خصوصی سازی مردمی، کارایی همراه با عدالت. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۱۳- کشکر سارا، سلیمانی مجتبی. (۱۳۹۱)، نقش برنامه خصوصی سازی بر توسعه ورزش‌های همگانی از دیدگاه کارشناسان، پژوهش‌های کاربردی مدیریت و علوم زیستی در ورزش، شماره ۲ ص ۹۹-۱۰۴.
- ۱۴- محرم زاده؛ مهرداد شهروز غایب زاده؛ سخاوت توکلی انگوت (۱۳۹۴) بررسی چالش‌های اجرایی ماده ۸۸ (خصوصی سازی اماکن ورزشی) در ورزش شهرستان‌ها، پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی، دوره ۵، شماره ۱۰، صفحه ۷۳-۸۴.
- ۱۵- محمدی مغانی، حجت (۱۳۹۴). طراحی مدل نقش دولت در فرآیند خصوصی سازی ورزش ایران. رساله دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه ارومیه.
- ۱۶- موحدی، علیرضا. (۱۳۷۴)، بررسی عوامل مؤثر بر عدم تمایل بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در صنعت جهانگردی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- ۱۷- نودهی، محمد علی (۱۳۹۶). تدوین بسته مدیریتی برای فدراسیون جودو جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری مدیریت ورزشی. دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه مازندران (بابلسر).
- ۱۸- نودهی، محمد علی؛ احمدی، مجتبی؛ داداشی، محمدصادق؛ نودهی، غلامرضا (۱۳۹۵). تدوین استراتژی توسعه ورزش روستایی استان گلستان. فصلنامه مطالعات راهبردی وزارت ورزش و جوانان، شماره ۳۳، صص ۱۸۸-۱۶۳.
- ۱۹- هیوز، آون. (۱۳۸۰). «مدیریت دولت نوین» سید مهدی الوانی، سهراب خلیلی شورینی، غلامرضا معمارزاده، تهران، چاپ سوم، انتشارات مروارید.
- ۲۰- ناصری پلنگرد، ولی؛ صادقی بروجردی، سعید؛ یوسفی، بهرام؛ صادقی کلانی احدیه (۱۳۹۵). تاثیر کیفیت خدمات ارائه شده بر وفاداری مشتریان باشگاه‌های بدنسازی بر اساس مدل سروکوال (با نقش میانجی رضایتمندی مشتریان). اولین همایش ملی تحولات علوم ورزشی در حوزه سلامت، پیشگیری و قهرمانی.
- ۲۱- وظیفه دوست، حسین؛ موجودی، امین؛ جلالیان، سعید (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مسئولیت پذیری اجتماعی سازمان بر تصویر شرکت، رضایت و وفاداری مشتریان در صنعت بانکداری (مطالعه موردی: بانک ملی تهران). کنفرانس مدیریت، تحول و نوآوری در توانمندسازی مدیریت، شیراز، شرکت پندار اندیش رهپو.
- ۲۲- رضوی، محمد حسین (۱۳۸۳). افزایش کارایی با سیاست خصوصی سازی در ورزش. مجله حرکت ۲۳، ۲۲-۵.
- ۲۳- امیری مجتبی؛ شهرزاد نیری؛ مرجان صفاری؛ فاطمه دلبری راغب (۱۳۹۲) تبیین و اولویت بندی موانع فراروی خصوصی سازی و مشارکت بخش خصوصی در توسعه ورزش، نشریه مدیریت ورزشی دوره ۵، شماره ۴، صفحه ۸۳-۱۰۶.
- ۲۴- نیری شهرزاد، امیری مجتبی، صفاری مرجان، بررسی تجارب اقدامات الزامات ملاحظیات کشورهای منتخب در زمینه خصوصی سازی و توسعه مشارک بخش خصوصی در حوزه ورزش، ششمین همایش ملی دانشجویان تربیت بدنی و علوم ورزشی ایران، ۱۳۹۰، پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.

۲۵- دلدار، ابراهیم. (۱۳۹۱). بررسی موانع اقتصادی خصوصی سازی و مشارکت بخش خصوصی در لیگ حرفه ای فوتبال کشور. پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

۲۶- زارع امین، علی محمدی مهموئی، فیروز زندی. ۱۳۹۱. چالش های موجود در روند خصوصی سازی باشگاه های فوتبال بر اساس مدل PEST. اولین همایش ملی بررسی راهکارهای ارتقاء مباحث مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع در سازمانها. گچساران. دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران.

۲۷- مرادی چالشتی جواد، مرادی محمدرضا، قهفرخی نوروزیان سهیلا، جعفری اکرم. (۱۳۹۲)، بررسی موانع اقتصادی اثرگذار بر جذب سرمایه گذاری خارجی در صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران، نشریه مدیریت ورزشی، شماره ۱۷، ص ص ۱۴۷-۱۲۹.

۲۸- قره خانی، حسن. (۱۳۹۳)، طراحی مدل موانع مشارکت بخش خصوصی در صنعت فوتبال ایران، تهران، هشتمین همایش بین المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی.

۲۹- مندعلیزاده زینب، هنری حبیب. ۱۳۹۰. بررسی فرصت ها و چالش های خصوصی سازی در ورزش کشور از دیدگاه صاحب نظران ورزشی و ارائه راهکارهای اصلاحی. همایش ملی خصوصی سازی در ایران. سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان.

30- Ayubi, N. (1996). A Comparative Perspective on Privatization Programmes in the Arab World, in Younis T., Privatization: A Review of Policy and Implication in Selected Arab Countries. International Journal of Public Sector Management. Vol. 9, pp:18-25.

31- Beltratti, Andrea, Bernardo Bortolotti and Marianna Caccavaio (2016). "Fiat Privatization: The Non-Tradable Share Reform and Stock Market Fundamentals in China", Bocconi University, Department of Finance, Via Roentgen 1, 20136, Milan, Italy.

32- Gruskyf, S., Fiil-Flynn, M. (2004). Will the World Bank Back down? Water Privatisation in a Climate of Global Protest (Washington, D.C: Public Citizen); Pp: 18-19.

33- Juga, J.; Juntunen, J.; Grant, D. B. (2010), Service Quality and its Relation to Satisfaction and Loyalty in Logistics Outsourcing Relationships, Managing Service Quality, Vol. 20, No. 6, pp. 496-510.

34- Romo, V, P., Chinchilla Minguet J.L., Freire. M.G, (2010). "Sports management Services: The Dimensions of Quality" Journal of Human Sport & Exercise .Vol V No II Pp 295-306.

- 35- Nasseh Mahtab.(2013). Evaluation of privatization in sports with the approach of assessing the strengths and weaknesses, *European Journal of Experimental Biology*, 3(1):pp: 631-636.
- 36- Salimi, Mahdi; Soltanhosseini, Mohammad; Padash, Donia; Khalili. Ebrahim (2012). Prioritization of the Factors Effecting Privatization in Sport Clubs: With AHP & TOPSIS Methods - Emphasis in Football. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, February, Vol. 2, No. 2. Pp: 106-117.
- 37- Sariolghalam, M. Democracy in the Middle East (2006). Limitations and Prospects, the Bruno Kreisky Forum for International Dialogue.
- 38- Tsameny, M., Onumah, J., tetteh-kumah,E.(2010), Post-Privatization performance and organization changes: Case study from Ghana. *Critical perspectives on Accounting*, 21,pp: 428-442.
- 39- Wu xiao, r; Hu, Xiao. (2007). "Considration of Privatisation Management of public sport facilities". *Journal of Hubei sports science*; 7(26):10-11.
- 40- Gardam, k; Giles, A.R; Hayhurst, L.M.C. (2017). "Understanding the privatisation of funding for sport for development in the Northwest Territories: a Foucauldian analysis", *International Journal of Sport Policy and Politics*, 9(3): 541-555, DOI:10.1080/19406940.2017.1310742
- 41- Zhang, B., Zhang, L. (2009). "Government Regulations of the Privatization of the Public Sports Facilities". *Sport Science Research*.Vol.2, No.11, pp:44-82. <http://en.cnki.com>.

